

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

جمعه ۲۲ اکتوبر ۲۰۲۱

حمید انوری

" تقدیس انتحار "*"

یا ادامه جنایات ضد بشریت،

میراث شوم کودتاجیان هفتم ثور

"تقدیس انتحار" عنوان چرندی است باز هم از قلم شکسته و خونین جنایتکار مشهور و معروف، شکنجه گر شناخته شده و جاسوس رو سیه، به نام نامی "صمد ازهر" که نه شرم دارد، نه حیا، نه وجدان دارد، نه شرف، نه آبرو دارد و نه حیثیت و خلص کلام اینکه در وجود بی وجود این بی ننگ شرف باخته و وجدان مرده، ذره ای از انسانیت، نیست که نیست.

اگر بخواهیم بالای این بی غیرت کثیف تمام دشنام های دنیا را بار کنیم و کتاب قطوری از دو و دشنام و ...، به او حواله کنیم و برهنه و روسیاه در بازار های جهان بگردانیم، خمی بر ابرو نمی آورد و مانند اسپ گادی اصلاً نمی داند که در چهار اطراف او چه میگذرد، او فقط حزب دیموکراتیک منحل خود را می بیند و باداران روسی و دیگر هیچ. این شرف باخته وجدان مرده از هر فرصتی استفاده میکند تا پرده ای بکشد ضخیم بر روی جنایات وحشتناک و بی حد و حصر حزب منحل ای غیر دیموکراتیک و ضد خلق که کشوری را برباد داد و از کشته های هموطنان مظلوم ما پشته ها ساخت. ننگ بر "صمد ازهر" ها و آنانی که چنین زمینه را برای همچو افراد خونریز و ددمنش برابر میکنند. قرار معلوم این زمینه ها را یکی دو خانم از همان حزب منفور در بعضی سایت ها که در آنها خزیده اند برابر میکنند که ننگ شان باد.

ببینید صمدک ازهر چه جفنگ میگوید:

"... در کشور ما، این به یک عرف مبدل شده که هر گروه جمع مخالف خود را تکفیر و واجب القتل اعلام دارد. همان جنایتی را که خودش در موقعیت مبارز مخالف، روا و صواب می دانست، در موقعیت نوین حاکمیت، ترور و جرم اعلام دارد. اعمال تروریستی اعم از فیر راکت های کور، قتل

انسان های بیگناه، کشتار معلمان، استادان و شاگردان، سوختاندن مکاتب، انفجارها و تخریب پل ها، پلچک ها و جنایات مشابه که «مجاهدین» در سال های هشتاد میلادی، هنگام جنگ اعلان نشده علیه افغانستان، مرتکب می شدند، در تبلیغات «مجاهدین» و پشتیبانان پاکستانی، عربی، اروپایی و امریکایی تایید و تقدیس می گردید و عاملان آن را قهرمانان آزادی لقب می دادند...

این عرف با درد و دریغ که بعد از کودتای شوم هفتم ثور ۱۳۵۷ اساس گذاشته شد، آنچه صمدک های دیده در او چشم سفید از سر آن چون آب خوردن میگذرند و هرگز و هرگز یادی از آن نمی کنند. این عرف مد نظر صمدک، بعد از تجاوز بی شرمانه اربابان روسی صمدوف ها به کشور باستانی ما به اوج خود رسید. آن زمانها صمدوف ها با اختیارات بی حد و مرز چنان مشغول جاسوسی و گیر و گرفت و بگیر و ببند و بگش بودند که تصور میکردند انفلاق ثور شان واقعاً برگشت ناپذیر بوده و از پی امروز، فردائی نخواهد بود.

او جفنگیات و چرندیات خود را با دیده درائی چنین ادامه میدهد: "... هر گروه جمع مخالف خود را تکفیر و واجب القتل اعلام دارد..."، او اما با دیده درائی و چشم سفیدی ذاتی خود، خود را به کوچۀ رفیق شفیق خود حسنک چپ(حسن شرق)، میزند و آنچه در بعد از کودتای شوم هفتم ثور تا شکست روسها در افغانستان و اضمحلال حزب د. خ، اتفاق افتاده است و موجب کشته شدن بیش از یک و نیم میلیون از هموطنان ما گردید و به صد ها هزار زخمی و معیوب و معلول و بیوه و یتیم و...، از خود بجا گذاشت و کشوری را به خاک و خون کشانید و...، و تمام جنایات خلقی ها و پرچمی های ملعون و منفور را نادیده گرفته و از آنها یادی نمی کند و گویا مغز علیل و از کار افتاده اش(اگر نره مغزی در آن کله پوک هنوز باقی باشد)، فراموش کرده است که اساس این عرف شوم مورد نظر او درست بعد از کودتای ننگین و خونین هفتم ثور ۱۳۵۷ گذاشته شده و بعد از مرحله ای نوین آن، یعنی تجاوز ننگین و بی شرمانه روس ها به افغانستان به اوج خود رسید و همین صمدوف ها بودند که با بوت پاکی ها و سر های خم، بلی قربان گفته دست به جاسوسی و دستگیری و شکنجه های وحشیانه و ددمنشانه ای هموطنان آزاده ما زده و اساس این جنایت های ننگین را در کشور زیبای ما گذاشتند و...، همین ها بودند که "...جمع مخالف خود را تکفیر و واجب القتل اعلام" کردند و هر شام و پگاه در سر هر کوچه و بازار فریاد میکشیدند که "بی طرف، بی شرف است". آیا همین چیغ و فریاد و داد و بیداد و فغان و واویلا به همین معنی نبود که مخالفین ح.د.خ را قتل عام کنید. آیا تره کی مغز خوک خورده نبود که میگفت " هر مخالف انقلاب را که در تاریکی شب گرفتار کردید، در تاریک شب نابود کنید."، آیا حفیظ الله امین شما جار نمی زد که " ما در افغانستان فقط به

یک میلیون کمونیست ضرورت داریم و بس" و اگر این سلسله را ادامه دهیم، از نجیب و نا نجیب گرفته تا ببرک، و از صمدوفک گرفته تا اناهیتا و جمیله پلوشه و ثریا پرلیکا و... همه و همه در همین خط خطا و خیانت و جنایت و جاسوسی و پستی و پلشتی روان بودند و هنوز هم روان هستند. این صمدوفک ادامه میدهد: "... اعمال تروریستی اعم از فیر راکت های کور، قتل انسان های بیگناه، کشتار معلمان، استادان و شاگردان، سوختاندن مکاتب، انفجارها و تخریب پل ها، پلچک ها و جنایات مشابه که «مجاهدین» در سال های هشتاد میلادی، هنگام جنگ اعلان نشده علیه افغانستان، مرتکب می شدند، در تبلیغات «مجاهدین» و پشتیبانان پاکستانی، عربی، اروپایی و امریکایی تایید و تقدیس می گردید و عاملان آن را قهرمانان آزادی لقب می دادند...".

به این کودن مغز خوک خورده باید گفت که جنگ اعلان نشده را آغاز گر، حزب منحلۀ د.خ بود که از هشتم ثور ۱۳۵۷ با کشتار خانواده شریف شهید محمد داوود خان، رئیس جمهور وقت افغانستان، اساس گذاشتید و یک خانواده را با قساوت تمام به گلوله بستید. از همان فاجعۀ دلخراش گیر و گرفت و بستن و شکنجه کردن و کشتن و اعدام های دسته جمعی و زنده به گور کردن ها و هزار و یک جرم و جنایت دیگر شروع شد و تا امروز همچنان جریان دارد.

سخن دیگر اینکه این پرچمی ها و خلقی های مغز خوک خورده جهت پرده پوشی جنایات عظیم شان در افغانستان، یک فصل کودتا و تجاوز رو سیه، را به طاق فراموشی سپرده و مستقیم خیز میزنند به جنگ های تنظیمی و ما بعد آن و هرگز یادآور نمی شوند که اساس چنین جنایات چگونه و از طرف کی یا کی ها گذاشته شد. از طرف دیگر جنگ مجاهدین واقعی و حقیقی افغانستان، هرگز و هرگز در مقابل وطن و وطندار نبود. جنگ ها و مجاهدت ها در مقابل جنایتکاران ح.د.خ و اربابان تجاوزگر روسی شان بود، اما چه سود که پیش کله صمدوفک، یاسین خواندن را شروع کنیم. او یک فرد بی ننگ و عار است و آنان که برای او زمینۀ جفنگ پراگنی را مساعد می سازند نیز در همان ردیف قرار می گیرند.

این صمدوفک ادامه میدهد: "... در تبلیغات «مجاهدین» و پشتیبانان پاکستانی، عربی، اروپایی و امریکایی تایید و تقدیس می گردید و عاملان آن را قهرمانان آزادی لقب می دادند...".

به این مغز خوک خورده باید گفت که مجاهدین واقعی و حقیقی افغانستان برای تمام مردم افغانستان، قهرمانان بودند، هستند و خواهند بود (حساب تنظیم های جهاد فروش از آنان جدا است)، و اعضای حزب ضد دیموکراسی و ضد خلق، اهم از خلقی ها و پرچمی ها و خادیسها و صمدوف ها و امثال شان که مشغول جاسوسی و شکنجه نمودن و زنده به گور کردن ها و... بودند و همه و همه از الف

گرفته تا یا و از نازن گرفته تا نامرد و از خشره گرفته تا سره و از تره کی گرفته تا ببرک و از ناامین گرفته تا نانجیب و از سازمانی و ناحیه حزبی گرفته تا حزبی و کمیته مرکزی و شورای انفلاقی و...، همه و همه بدون کدام استثنا، وطن فروش، جاسوس، خائن، جنایتکار و خونریز و دشمنان قسم خورده مردم شریف افغانستان و کشور آبائی ما محسوب می شوند. پس به لحاظ گور مرده های تان برای مردم مظلوم افغانستان نسخه شفا ننویسید که همه از شما ها منتفر اند. ما را از خیر شما امیدی نیست، از روی گور مرده های تان، شر نرسانید. اعطای تان به لقای تان. این آش که تلاش دارید به مردم بپزید، خیلی ها شور و گلو گیر است، ارزانی خود تان باد. کاسه داغتر از آش نشوید.

***- ضرورت به نام گرفتن سایتی که این جفنگیات را همواره نشر میکند، دیده نمی شود.
هموطنان ما دیگر خوب میدانند.**